

42



آکھي دعوت مجمع عمومي فوق العاده
شرکت تعاوني مصرف کارکنان دانشگاه تربيت معلم
سبزوارى (حکيم سبزوارى) ثبت ۱۰۹۸ نوبت دوم

لازم به ذکر است تعداد آراء وکالتی هر عضو ۳ رأی و غیر عضو ۱ رأی خواهد بود.

هیئت مدیره شرکت

برگسبز و سندهمالکیت (سند کمپانی) کارت خودرو سواری پراید
مدل ۱۳۷۷ رنگ سفید شماره پلاک ایران ۳۳ - ۳۴۱ ب ۸۹
شماره موتور ۰۰۵۱۳۱۰ شماره شاسی ۱۴۴۳۳۷۱۴۰۴۵۸
مالکیت محمد همراه سبانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد

در سال‌های اخیر و به طور مشخص در ماه‌های اخیر پس از «جنگ» «دستوردهای کارگران» آن‌زبان سقوط کرده است: قیاس با معیارهای جهانی، به مرز صفر زیر ۱۰ دلار به معنای استاندارد جهانی دستبند و دستبند در ۱۰ دلار به معنای فقر مطلق است و اصولاً تشکلهای و نهادهای بین‌المللی از جمله ITUC (کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری) کارگرانی را که دستورده‌روانشان زیر ۵ دلار است، کارگران فقیر مطلق، یا کارگرانی می‌نامند که در آستانه‌ی فقری و گرسنگی قرار دارند.

به این ترتیب، براساس تعاریف رسمی، کارگرانی که حقوق ماهانه‌شان در محدوده ۱۰ دلار است، کارگران «فقیر مطلق» و در معرض گرسنگی هستند. امروز بخش اعظم کارگران ایرانی در همین گروه قرار دارند.

تا مرد شهریورماه، قیمت دلار در بازار ایران به مرز ۳۰۰ دلار رسیده است؛ امسال حداقل دستمزد کارگران متاهل با یک فرزند با احتساب همهی مزایا، ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است. این رقم فقط ۲۴ دلار است. پایه مزد کارگران در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۲۲۵ هزار تومان تعیین شده است که با نرخ دلار امروز ۳۰۰ دلار است.

پایه مزد کارگران ایرانی در حالی به ۸۳ دلار تنزل یافته است که براساس گزارش‌های جهانی، مزدبگیران ایران با دستمزد متوسط ۸۵ دلاری، در بین کشورهایی که کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند، رتبه سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

این سقوط، یک سقوط با شیب تند و بسیار بی سابقه است؛ از یک طرف، علی‌رغم نرخ رسمی ۲۲ میلیون تومانی دست‌معیشت در اسفند ۱۴۰۴، نمایندگان شرکتی اجتماعی در نهادهای به نام «روابط مالی» که زیر استیلاهای دولتی و کارفرمایان قرار دارند و به طور مداوم و سیستماتیک، دستمزد کارگران را سرکوب می‌کند، پایه مزد فقط ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شد که رده‌بندی کارگران مجرد را به کمی بیش از ۲۱ میلیون و کارگران و صاحب کسب و کارها را به ۲۴ میلیون افزایش رساند؛ از سوی دیگر، پس از عجز و بحران‌های اخیر، نرخ دلار به محابا افزایش یافت و در عرض چند ماه، به رقم عجیب و بی‌سابقه ۲۰۰ هزار تومان رسید. از آنجا که بسیاری از کارآواهای مصرفی وارداتی هستند یا مواد اولیه‌شان به نرخ دلار وارد می‌شوند و همچنین افزایش قیمت دلار، تأثیرات اساسی و گسترش‌یافته روی قیمت تقریباً تمام کالاها و خدمات دارد، «دستمزد واقعی کارگران» که براساس قدرت خرید سنجیده می‌شود، به کمترین میزان در دهه‌های اخیر سقوط کرده است؛ بسیاری از کارگران و بازنشستگان ایرانی با دستمزد کمتر از ۱۰۰ دلار در ماه همین حدود زندگی می‌کنند و این در حالیست که در کشورهای مترقی و مرفه، حداقل دستمزد نیروی کار، در محدوده‌ی چند هزار دلار است؛ بر اساس رتبه‌بندی منتشرشده از سوی Visual Capitalist و با آن‌کا به داده‌های سازمان بین‌المللی کار، لوکزامبورگ از نظر میانگین حقوق کارکنان (ماهانه)، عددی را با قدرت خرید در رتبه نخست قرار گرفته

است. در این رتبه‌بندی، میانگین قدرت خرید حقوق ماهانه در لوکزامبورگ حدود ۹.۳۰۷ دلار برآورد شده است. پس از لوکزامبورگ، بلژیک با حدود ۸.۲۹۷ دلار و هلند با حدود ۷.۲۳۴ دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

برای ترسیم عینی‌تر مسیر سقوط دستمزد واقعی کارگران، یک بازه ده‌ساله در نظر می‌گیریم؛ پایه مزد کارگران در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شده است که فقط ۸۳ دلار است.

در شهریور ۱۴۰۰، پایه مزد کارگران ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان بود؛ آن زمان قیمت دلار آمریکا، در محدوده ۳۶ هزار و ۸۰۰ تومان بود؛ بنابراین پنج سال پیشتر، پایه مزد کارگران حدود ۹۹ دلار قدرت خرید داشت.

در سال ۱۳۹۵، قیمت دلار حدود ۳ هزار و ۵۰۰ تومان بود؛ آن زمان، پایه مزد کارگران نیز ۸۱۲ هزار و ۱۶۴ تومان بود؛ بنابراین ده سال پیش از این، پایه مزد کارگران ۲۳۲ دلار بود.

در واقع در بازه یک زمانی ده ساله، پایه مزد کارگران مشمول قانون کار یا همان «سندسوز واقعی طبقه ی کارگر» از ۲۳۲ دلار به ۸۳۶ دلار تنزل یافته است. یعنی سندسوز واقعی کارگران در ده سال پیش ۷۵ درصد برابر امروز بوده است.

ده سال اخیر از ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۵، دوران اوج آزادسازی، شوک‌های اقتصادی و تحریم‌های پیاپی سخت بوده که به جنگ و بحران انجامیده؛ در همین بازه زمانی، یک درصدی‌ها از تراستی‌ها گرفته تا دلان ارز و بودجه‌خواران سودهای کلان اندوختند

و ابرمیلیارد شدند، اما طبقه‌ی کارگر به شیوه‌ای بی‌سابقه در چاه فقر سقوط کرد و قدرت خریدش فقط در عرض ده سال، ۲۷۰ درصد سقوط کرد. مسئول این سقوط بی‌قاعده و بدون سابقه کیست؟

«بدالله فرجی» فعال صنفی بازنشستگان و رئیس اسبق شورای اسلامی کار شرکت چترال استیل، مسیر دهسدهای اخیر را درذکا متخصیف می کند و در این رابطه می گوید: کارگران متخصیف، در این ده سال، به سبب سقوط کمره طبقه اقتصادی بسیاری از خانوادههای باارز که از فقرمیدار «مستوس» به «فقیر» و سپس «فقیر مطلق» تبدیل شد و به تدریج در گرداب توانایی معیشتی فرو رفتند. نمود عینی آن، سفردهای خانوادههای کارگریست؛ ما ده سال قبل، ماهی چند کیلو گوشت روز می می خریدیم، حالا، اما ماهاسات که رنگ گوشت در آن سفید نهدیم.

درچنین شرایطی که کارگران حداقل‌بگیر ایرانی در محدوده‌ی «فقیر مطلق» قرار گرفتند و سیزدهم ماه‌باشان کمتر از ۱۰۰ دلار است، برای اجتناب از گسستگی خوادگی و اجتماعی و بحران جسمی سرزده، ریاستی «رمز مز» و بهبود وضعیت طبقه‌ی کارگر در دستور کار قرار بگیرد. سوال این است: «اگر مزد ترمیم نشود طبقه‌ی کارگر ایرانی چگونه باید تاآوری داشته باشند؟ چطور با هزینه‌های سنگین را بر دوش بکشند و بازه‌ی راهی، درآمزیابی کند که فقط نان خالی در سفره داشته باشد».

مسیر رویداد

■ چهار شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵

■ شماره ۷۳۰۰۷

روز خنده ! لطفا پیشنهاد خانواده اکبر عبدی را جدی بگیرید

<

